

خبر روز

حمایت روانی فوری برای کودکان جنگ

در پی تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک ایران و آثار روانی ناشی از آن، تدوین یک بسته تخصصی با هدف بازیابی و رشد روانی کودکان و نوجوانان در دستور کار قرار گرفت. این بسته با تمرکز بر اختلال استرسی پس از سانحه با رویکرد رشد پس از سانحه طراحی خواهد شد. در دیدار ره‌را بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، با مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اقدامات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را در ایام جنگ بررسی کردند. اقداماتی از جمله در دسترس قرار دادن ۷۰۰ عنوان کتاب به صورت رایگان در سکو‌ها، عرضه ۱۱۰ عنوان فیلم و پویانمایی تولیدات کانون، اجرای ۵۰ تئاتر و نمایش فیلم باغ گیانوش در صداوسیما از جمله برنامه‌های این دوره بود. معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، با اشاره به اهمیت توجه به روان کودکان و نوجوانان در بحران‌های ملی، بر تدوین و اجرای بسته‌ای ویژه برای حمایت روانی از کودکان به عنوان اقدامی فوری، علمی و آینده‌محور با تکیه بر در‌مان‌های گروهی، بازی‌درمانی، هنردرمانی، روایت‌درمانی و فعالیت‌های مشارکتی به عنوان بسته بازیابی و رشد کودکان و نوجوان تاکید کرد که کودکان را یاری می‌دهد نه‌تنها از آسیب‌ها عبور کنند، بلکه از دل تجربه‌های تلخ، به قدرت روانی و اجتماعی جدیدی دست یابند. به گفته بهروزآذر، کودکانی که در معرض صدای انفجار، تصاویر خشن و تجربه ناامنی قرار گرفته‌اند، نیازمند حمایت روانی فوری‌اند. این حمایت نه‌تنه برای محافظت روان آنها، بلکه برای بازسازی حس امنیت، همدلی و انسجام اجتماعی ضروری است. در همین راستا، مراکز ثابت و سیار کانون پرورش فکری در سراسر کشور به عنوان پایگاه اجرای این برنامه انتخاب شده‌اند. این مراکز به محیط‌هایی تعاملی برای گفت‌وگو، درمان و رشد تبدیل خواهند شد. تا کودکان –چه آنان که مستقیم آسیب دیده‌اند و چه آنها که از تبعات غیرمستقیم رنج می‌برند (مانند مهاجرت موقت یا اضطراب ناشی از بحران)- امکان ترمیم و توان‌یابی داشته باشند.

در ادامه این نشست، معاون رئیس‌جمهور با اشاره به تحولات اجتماعی و ساختار خانواده در دهه‌های اخیر، از کاهش فرصت‌های تعامل میان‌نسلی، فشارهای روانی خانواده‌ها و خلا آموزش والدگری در کشور انتقاد کرد و گفت: «اکنون که یکی از اولویت‌های جدی سیاست‌گذاری در حوزه خانواده، فرزندآوری است؛ باید پیش‌نیازهای تربیتی و روانی آن نیز تأمین شود».

گزارش

پشت به جامعه

در نظر گرفتن این نوع مجازات‌ها در شرایطی صورت گرفته که اساسا، بسیاری از این سکو‌ها و پلتفرم‌ها خارجی هستند و به همین دلیل این قوانین و مجازات‌ها را اساسا غیرقابل اجرا می‌کنند.
به علاوه اینکه اگر این محدودیت‌ها قابل اجرا هم باشند با توجه به مفاهیم گنگ و تعاریف ناقص باز هم در مسیر اجرای آنها مشکل ایجاد می‌شود به عنوان مثال منظور از «بیان خلاف واقع» که باعث «تشویش در اذهان عمومی» می‌شود چیست؟ منظور از تشویش اذهان عمومی چیست؟
نصراللهی تاکید می‌کند که وقتی خود فعل مادی قابلیت تعریف دقیق نداشته طبیعتا اعمال مجازات برای کاربران هم می‌تواند سلیقه‌ای و غیرمنصفانه باشد:
«برای من این سؤال مطرح است که میلیون‌ها انسان و صدها کشور با مسئله فضای مجازی و انتشار اخبار در آن مواجه‌اند، آیا قانون‌گذار ما برای یک بار هم که شده حاضر به استفاده از تجربیات سایر کشورها شده یا همیشه تلاش کرده در استفاده از این فضاها بدعت ایجاد کند؟»

بی‌توجهی قانون‌گذار به خواست جامعه

به باور این حقوق‌دان، در کشور ما بحران‌هایی درخصوص قانون‌گذاری وجود دارد که در دیگر کشورها قابل مشاهده نیست: «پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام و تلگرام، در صدها کشور اعم از صنعتی و در حال گذار استفاده می‌شوند، در حالی که شهروندان هیچ کشوری با دغدغه‌هایی که مردم ایران در مواجهه با حقوق و آزادی‌های فردی دارند، دست و پنجه نرم نمی‌کنند.»
با توجه به مسبقوب به سابقه بودن تدوین و تصویب طرح‌های مورد انتقاد از سوی جامعه مانند مصوبه حجاب، طرح صیانت و همین طرح اخیر، آیا می‌توان گفت ما با ضعف در قانون‌گذاری مواجه هستیم؟
نصراللهی در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «برای پاسخ به این سؤال اگر صرفا به نص خشک قوانین رجوع کنیم یا صرف مسائل مطرح‌شده در قانون اساسی را بررسی کنیم، باید بگوییم ضوابط ظاهری در قانون‌گذاری رعایت می‌شود. ولی اگر به روح قانون‌گذاری مراجعه کنیم، پاسخ متفاوت است.» او توضیح می‌دهد: «ما زمانی دست به قانون‌گذاری می‌زنیم که برای آن یک خواست و بنای اجتماعی وجود داشته باشد. یعنی خواست اجتماع باید در قالب قانون‌گذاری ظهور و بروز پیدا کند. مسئله اساسی و مهم این است که قانون‌گذار ما در بحث قانون‌گذاری هیچ توجهی به خواست اجتماع ندارد. نتیجه چنین رویکردی آن می‌شود که قوانینی به تصویب می‌رسند که حتی تدوین‌کنندگان و تصویب‌کنندگان آن هم خود را مقید به اجرای آن نمی‌دانند، مانند قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای. وقتی قانون‌گذار بدون توجه به خواست جامعه دست به قانون‌گذاری می‌زند، جامعه دچار آفتی بزرگ می‌شود یعنی شکسته‌شدن قبح قانون‌شکنی».
این حقوق‌دان به تصویب قانون مدنی در سال ۱۳۰۷ خورشیدی هم اشاره می‌کند: «این قانون زمانی به تصویب رسید که خلا آن در جامعه حس شد. بعد از مشخص‌شدن این نیاز، به مدت ۱۰ سال بهترین استادان حقوق در شرایط آن روزها متن این قانون را بررسی کردند تا اینکه نهایتا قانون مدنی به تصویب رسید. اما در حال حاضر قانون‌گذاری از سوی دولت، مجلس یا قوه قضائیه نه به دلیل نیاز و خواست اتحاد جامعه که به خواست اقلیتی از جامعه انجام می‌شود. در مسیر قانون‌گذاری هم موضوع در کمیسیون‌های تخصصی یا با مشورت‌گرفتن از دانشکده‌های برتر حقوقی کشور مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. موضوعی که باعث تورم فیکری و تورم قانون‌گذاری می‌شود».
نصراللهی تاکید می‌کند که ما امروز هم با تعداد زیادی از قوانین متعارض و مناقض مواجه‌ایم که عملا نه در ارکان مختلف کشور قابل اجرا هستند و نه مردم خود را پایبند به آنها می‌دانند: «این رویکرد باعث می‌شود طرح‌ها و لوایح ضروری مانند «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» از بررسی در مجلس باز بمانند و به جای آنها یک سری قوانین عوام‌گرایانه وارد مجموعه قوانین کشور شوند. در حال حاضر ما با مجموعه‌ای از قوانین ناکارآمد مواجه هستیم که علت آن هم چنین رویکردی در نظام قانون‌گذاری کشور است».

این وکیل دادگستری می‌گوید هم در طرح «تشدید مجازات جاسوسی» که مورد ایراد شورای نگهبان هم قرار گرفت و هم در لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع» با موضوع «فساد فی‌الارض» مواجه هستیم و در هر دو مورد هم این عنوان اتهامی تفسیر نشده است: «از این نوع قانون‌گذاری به عنوان قانون‌گذاری با سیاست‌های غوام‌گرایانه یاد می‌شود. متأسفانه نامی شدید‌الدرویش این نوع قانون‌گذاری هستیم. یعنی قانون‌گذاری تحت تأثیر عوامل یا مسائل خاصی که برای کشور به وجود می‌آید، گاه درگیر این روش از قانون‌گذاری می‌شویم که بدون توجه به آینده و حواشی که ممکن است ایجاد شود، دست به نوعی از قانون‌گذاری می‌زنیم که بعدها خودمان هم گرفتار آن می‌شویم».

روایت قربانیان بیمارستان چشم‌پزشکی «نگاه» پس از صدور حکم نهایی دادگاه

نابینایی، افسردگی، خانه‌نشینی و از کار افتادگی

۹ نفر نابینا شده به دلیل آلودگی اتاق عمل، خانه‌نشین شده و کارشان را از دست داده‌اند. آنها از افسردگی رنج می‌برند و می‌گویند کسی از سوی بیمارستان حالشان را هم نپرسید. قربانیان توانایی رانندگی یا به‌تنهایی از خانه خارج شدن ندارند



نسترن فرخه

«پدرم خجالت می‌کشد کسی به چشم‌مانش نگاه کند؛ بعد از نابینایی هم دیگر به چشمانم هیچ‌کس نگاه نکرد، حتی به صورت ما که فرزندانش هستیم. تمام‌مدت عینک دودی روی چشم دارم و معاشرت‌ش را با همه کم کرده. کارش را از دست داد و حالا کاملا خانه‌نشین شده است». این روایت فرزند یکی از قربانیان بیمارستان فوق‌تخصصی چشم‌پزشکی نگاه تهران است. خبر نابیناشدن ۹ نفر در این بیمارستان دی‌ماه سال گذشته به عنوان یک اتفاق تکان‌دهنده منتشر شد. اتفاق اما هفدهم مهرماه همان سال رخ داده بود. همان موقع رئیس بیمارستان اعلام کرد این اتفاق به احتمال زیاد به دلیل یک آلودگی عمدی بوده است. او این توضیح را داد: «وزارت بهداشت و دانشگاه شهید بهشتی نیز غیرعادی‌بودن وضعیت را تأیید کرده‌اند و عمدی‌بودن حادثه، به عنوان اولین احتمال مطرح شد. شکل عفونت، پرسل ثابت و بعضی مدارک دیگر نشان می‌دهد احتمالا عفونت عادی و شرایط عادی پزشکی نداشته‌ایم». آن‌طورکه آن موقع اعلام شد، هر ۹ نفر در یک اتاق و از سوی پنج پزشک متفاوت جراحی شده بودند. پرونده در دست پیگیری بود تا اینکه بیست‌وچهارم تیرماه وکیل تعدادی از این بیماران از صدور حکم قطعی این پرونده خبر داد. به گفته نیلوفر معارفی، ۲۱ تیرماه اسماعل رای دادگاه بدوی که مقصر شناخته‌شدن بیمارستان چشم‌پزشکی نگاه در حادثه نابیناشدن ۹ بیمار در یک روز و در اتاق عمل و محکومیت آنها به نصف دیه کامل بود، در دادگاه تجدیدنظر تأیید و قطعی شد. پزشکان در این پرونده تبرئه شدند و بیمارستان صددرصد مقصر شناخته شد. نظریه پزشکی قانونی «آلودگی بیمارستانی» را تشخیص داد. بر اساس اعلام این وکیل دادگستری، بر اساس رای دادگاه، بیمارستان نگاه موظف است «نصف دیه کامل یک انسان» را به هریک از افراد نابیناشده پرداخت کند. با توجه به نرخ دیه سال ۱۴۰۴ (یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان)، سهم هر فرد ۸۰۰ میلیون تومان خواهد بود. همه اینها در حالی است که به گفته خانواده قربانیان و وکیل‌شان، بیمارستان تا دو سال پس از وقوع حادثه یعنی از هفدهم مهر سال گذشته، فرصت پرداخت دیه دارند.

افسردگی و خانه‌نشینی بیماران

همه آنها خانه‌نشین شده و کسب‌وکارهای خود را از دست داده‌اند. فرزندان تک‌تک‌شان از افسردگی شدید والدین خود می‌گویند که بعد از ماجرای نابینایی شروع شده و هر معاشرتی را برای‌شان سخت کرده است. آنها ۹ بیمار بیمارستان نگاه هستند که در ۱۷ مهر سال قبل برای جراحی آب‌مروارید در ساعت‌های مختلف وارد اتاق عمل شماره سه بیمارستان فوق‌تخصصی چشم‌پزشکی «نگاه» شدند. ولی به دلیل وجود باکتری سودوموناس آئروژینوزا، بینایی چشمشان خود را از دست دادند. پس از رسانه‌ای‌شدن این ماجرا، مسئولان بیمارستان و حتی وزارت بهداشت بارها در مصاحبه‌های مختلف سعی کردند با ابراز همدردی اعلام کنند پیگیری حق و حقوق بیماران خواهند بود. اما در این چند ماه حتی یک نفر از آنها با بیماران نابیناشده تماس نگرفت تا جوابی شرایط آنها بعد از این اتفاق باشد. با این حال همه بیماران در گفت‌وگو با «شرق» یک جمله را تکرار می‌کنند: «ما ازکارافتاده شدیم». بسیاری از آنها که با سنین ۵۰ تا ۷۰ سال ز شهرهای مختلف برای درمان راهی تهران شده بودند، حالا با نابینایی یک چشم برای یک تردد ساده در خانه و خیابان هم به همراه نیاز دارند. یکی بعد از نابیناشدن، به دلیل وخامت شرایط روحی دچار بیماری خودایمنی شده و همسر فرد دیگر با شنیدن خبر نابینایی همسرش سکنه مغزی کرده است. اینها فقط بخشی از روایت رنجی است که ۹ بیمار پس از نابینایی کامل یک چشم خود تجربه کردند. هرچند پرونده شکایت آنها با پرداخت ۸۰۰ میلیون تومان دیه بسته شد، اما با توجه به طول درمانی که خواهند داشت، «نیلوفر معارفی» وکیل تعدادی از این بیماران، باور دارد دیه در نظر گرفته‌شده برای آسیبی که این افراد متحمل شده‌اند کافی نیست.

مادر از غصه نابینایی پدر، سکنه کرد

همان روزهای اول که همه بیماران از نابینایی یک چشم خود شوک‌زده بودند، یکی از بیماران که مرد ۶۸ساله‌ای است با شوخی در بیمارستان به پرستارها می‌گفت: «برای ما ۹ تيله بياوريد تا داخل چشم‌هایمان بگذاريم و به خانه برگرديم». حتی در مکالمه تلفنی و صحبت از این روزهایش هم این‌خوش‌طبعی را حفظ کرده است. هرچند افسردگی دامن‌گیرش شده و این را پسر جانش به «شرق» می‌گوید که چطور شرایط کل زندگی آنها بعد از نابینایی پدر در هم کره خورده است.

پدر ۶۸ساله‌ای که یک چشمش تخلیه شده و در همان مدت، مادر از فشار روانی نابینایی همسرش سکنه مغزی کرد. فرزند این خانواده از روزهای اول بعد از عمل آب‌مروارید پدر می‌گوید که در تمام پیگیری‌هایشان مسئولان بیمارستان فقط یک چیز می‌گفتند: «اتفاقی نبفتاده، این دردها طبیعی است». تا آنکه نتیجه سوزش چشم و حال بد پدر به تخلیه کامل چشم رسید: «پدرم با وجود ابتلا به سرطان لنفوم، از مادر دارای معلولیت‌م مراقبت می‌کرد. وقتی این اتفاق افتاد، به دلیل فشار روحی که این مدت به مادرم وارد شد و شاهد نابینایی پدر بود، سکنه مغزی کرد و حالا هم شرایط پدر به شکلی نیست که بتواند مثل قبل از مادر مراقبت کند. اتفاقی که افتاد زندگی ما را از این رو به آن رو کرد. این روزها همه ما درگیر شرایط مادر و پدر هستیم. در تمام این روزها حتی یک نفر از مسئولان بیمارستان به ما سر نزد. در حالی که می‌دانم اگر این کار را می‌کردند پدر من شاید آنها را می‌بخشید».

مدام دستش روی دیوار است تا زمین نخورد

او ادامه می‌دهد: «تمام این مدت حرف پدر این بود که خطای بیمارستان را پیگیری کنیم تا افراد دیگر ناپینا نشوند. حالا برای طول درمان باید مرتب به پزشک مراجعه کنیم چون چشم شروع به کوچک‌شدن کرده و نیاز به درمان دارد. پدرم تا آخر عمر باید هر روز پماد و دارو به چشم بزند تا عفونت نکند. ما با گفتند مدیر فنی حکم فعالیت نداشت. سؤال ما این است که اگر مدیر فنی حکم فعالیت نداشت، چرا اتاق عمل را در اختیارش گذاشتند؟ از طرفی این دیه ۸۰۰ میلیون تومانی را قرار است تا دو سال دیگر پرداخت کنند و در این مدت تمام هزینه‌ها با خودمان است. بیماران را این مدت با هزینه‌های درمان چه کنند؟ هیچ‌کدام از رنج‌های بیماران و خانواده‌های آنها دیده نمی‌شود. برای یک رفت و آمد ساده باید دست پدر را بگیریم. در حالی که پدرم کار فنی می‌کرد، در کارش ماهر بود ولی حالا به جایی رسیده که در خانه هم که راه می‌رود دستش را به دیوار می‌گیرد تا زمین نخورد. چون فقط از یک چشمش استفاده می‌کند، چشم دیگر پدرم در این مدت ضعیف‌تر شده است و همه اینها نگرانی‌های جدید ما خواهد بود. به معنای واقعی پدرم که این‌قدر فعال بود حالا خانه‌نشین شده. از طرفی مادر هم شرایطش بدتر شده است».

یک نفر هم حالم را نپرسید

بیسن حرف‌هایش بغض می‌کند و دیگر امکان گفت‌وگو ندارد، فقط یک جمله می‌گوید و حرفش را تمام می‌کند: «پدرم را نابینا کردند و مادرم هم حالش بد و بدتر شده، این بیمارستان زندگی ما را خراب کرد». پدر اما روحیه‌اش را حفظ کرده و بین صحبت‌هایش شوخی هم می‌کند. با خنده می‌گوید: «همه را با یک چشم می‌بینم». با این‌همه او غمگین است، غمگین از خانه‌نشینی و اجبار برای کنار گذاشتن شغلش. هم پدر قیراقی که تمام طول روز کار می‌کرد، حالا بیشتر روز را در خانه می‌ماند و دیگر حتی از عهده رانندگی که مسافت کوتاه هم بر نمی‌آید: «اگر بخوام پروتز خوبی انجام دهم حدود صد میلیون تومان می‌شود. الان دیگر از کار افتاده شدم و اگر صددرصد دیه را هم پرداخت می‌کردند باز هم بینایی من بر نمی‌گردد. کار فنی می‌کردم ولی الان کار را کنار گذاشته‌ام. حتی نمی‌توانم رانندگی کنم. چشم راستم نمی‌بیند، برای همین باید چند آینه بیشتر در ماشین بگذارم. از چشم دیگرم مدام اشک می‌آید و همیشه یک دستمال در دست دارم. با همه اینها حتی یک نفر از بیمارستان یا من تماس نگرفت یا به دیدار ما نیامد که ببرسد این روزها چه شرایطی دارم. عملا خانه‌نشین شدم، شب‌ها اصلا نمی‌توانم از خانه بیرون بروم. چه کسی اینها را می‌بیند؟ بیمارستان می‌گوید ما برای شما خرج کردیم، چه

خرچی؟ با بیمه خودمان به اتاق عمل رفتیم و نابینا شدیم. این بی‌معرفتی آنها بود که پیگیر حال ما نشدند».

چند بار تصادف کردم

از سمنان آمده بود تا یک عمل ساده انجام دهد و با بهبودی کامل به خانه برگردد، اما با چشمی تخلیه‌شده تهران را ترک کرد مرد ۵۵ساله‌ای که به دلیل نابینایی کامل یک چشم، چند بار در خیابان تصادف کرده و برای رفت‌وآمد حالا به همراه همیشگی نیاز دارد. از اشتیاقش به مطالعه می‌گوید که همیشه کتابی در دست داشت و حالا حتی توان خواندن یک صفحه را ندارد، چون چشم دیگرش چندان او را یاری نمی‌دهد: «بعد از عمل، چشمم که از باز کردم، دیدم همه چیز را ضعیف می‌بینم و چند ساعت بعد هم دیگر چیزی ندیدم. در راه خانه بودیم که اشک شدید از چشمانم می‌آمد و شب هم سوزش، درد و حالت تهوع شدید داشتم. شبانه با دکتر تماس گرفتیم که گفت این شرایط طبیعی است ولی من تا صبح از حال بدی که داشتم نتوانستم بخوایم، مجبور شدم صبح به اورژانس بیمارستان بروم و یک پزشک گفت موضوع مهمی نیست و کاملا طبیعی است. ما به خانه برگشتیم». او ادامه می‌دهد: «ساعت دو ظهر با دکتر معالج قرار داشتیم‌که دارو نوشت و او هم می‌گفت این درد و سوزش طبیعی است. در تمام این مدت من درد شدیدی را تحمل می‌کردم. ساعت ۸ شب همان روز از بیمارستان تماس گرفتند و گفتند مجدد مراجعه کنید، همان موقع قودشان در بیمارستان از عمق فاجعه مطلع شده بودند. ساعت دو شب من را به اتاق عمل بردند و با این حال توضیح درستی هم به ما نمی‌دادند. بعد از آن من شش بار دیگر به اتاق عمل رفتم. عمل ساده‌ای که زیر یک ساعت تمام می‌شود، باعث نابینایی و تخلیه چشم ما شد. شرایط روحی‌ام کامل به هم ریخته بود و هنوز هم همین است چون اطرافیانم بارها گفتند که بعد از این ماجرا خلق و خوی من تغییر کرده، تصور کنید به امید بهبودی وارد بیمارستانی شوید اما شما را نابینا کنند، شرایط سختی را تحمل می‌کنم. در این مدت کاملا متوجه شدم که جان افراد از قشر ضعیف و متوسط جامعه برای مسئولان اصلا اهمیت ندارد. دیگر نمی‌توانم رانندگی کنم، چند بار که مجبور به رانندگی شدم چون دید کافی ندارم تصادف کردم. خسارت جزئی بوده، اما واقعا سخت است. الان هم پروتز گذاشتم اما چشمم هنوز جسم خارجی را نپذیرفته و آبریزش و سوزش دارم. مشکلات کم نیست مثلا چند بار خواستم از خیابان عبور کنم در حال تصادف با موتور بودم که همراه من را نجات داد. از شهرستان به امید عمل و بهبودی راهی تهران شدیم تا یک عمل پیش‌افتاده انجام دهیم که منجر به نابینایی ۹ نفر ما شد». به گفته او، مبلغی که به عنوان دیه در نظر گرفته‌اند، برای تحمل این میزان رنجی که آنها کشیده‌اند، کافی نیست: «همین الان چشمم به دلیل عفونت نیاز به درمان دارد. بیش از این معاشرت‌م با آدم‌ها زیاد بود ولی بعد از این ماجرا ارتباط‌م با همه کم شده است. امیدوارم این پروتز جواب دهد ولی باز هم می‌گویم از اینجا به بعد هر اتفاقی هم بیفتد، جواب‌گوی رنجی که به ما تحمیل شد نخواهد بود».

از شدت فشار روانی، بیماری خودایمنی گرفت

«پدرم خجالت می‌کشد از خانه بیرون برود، همیشه صورتش را پایین می‌گیرد و حتی به ما که فرزندانش هستیم دیگر نگاه نمی‌کند. بدون عینک دودی از خانه بیرون نمی‌رود». دختر جوان از پدر ۵۹ساله‌اش می‌گوید که به اصرار او از تربت حیدریه به تهران آمد تا در بیمارستان نگاه عمل آب‌مروارید انجام دهد. چند بار در مکالمه‌اش تکرار می‌کند که «بابا» برای عمل در بیمارستان مشهد وقت گرفته بود و او مجبورش کرده در بیمارستان نگاه عمل شود. پدر این خانواده حالا چشم چپش را از دست داده و دختر از روزهای بعد از عمل می‌گوید که به شدت درده و سردرگم بودند و کسی پاسخ درستی به آنها نمی‌داد: «بعد از عمل، چشم پدرم می‌سوخت و مدام استفراغ می‌کرد، مجبور شدیم به اورژانس بیمارستان مراجعه کنیم اما کسی جواب روشنی به ما نمی‌داد. همان روز به پزشکش مراجعه کردیم که پزشک دیگری را به ما معرفی کرد. به ما گفتند باید خیلی سریع دوباره به اتاق عمل برود. آن‌قدر حال پدرم بد بود که من ترسیده بودم. ما مدام می‌پرسیدیم چه اتفاقی افتاده که در یک روز دوبار باید به اتاق عمل برود؟ ولی به ما می‌گفتند صبر کنید. در همان یک هفته پنج یا شش عمل انجام دادند و در آخر چشم را تخلیه کردند و گفتند بینایی دیگر بر نمی‌گردد». این خانواده در رفت‌وآمد به بیمارستان نگاه، با بیماران دیگری مواجه شدند که شرایط مشابه آنها را داشتند: «روزی که به بیمارستان نگاه رفتم با خانواده چند بیمار دیگر آشنا شدم که دقیقا مشکل ما را داشتند و مشخص شد ۹ نفر بینایی خود را از دست داده‌اند. کاش در همان مشهد عمل چشم را انجام می‌دادیم. من آن‌قدر تعریف این بیمارسان را زیاد شنیده بودم و آن‌قدر اصرار کردم تا پدرم قبول کرد. ما حتی برای دریافت هزینه عمل اول چند باری پیگیری کردیم تا پول را از بیمارستان پس بگیریم. می‌گفتند نمی‌شود پول را پس بدهیم و اگر می‌خواهید شکایت کنید که در آخر با پیگیری پول را پس گرفتیم».

۱۱،۰۰ کیلو وزن کم کردم

این مرد ۵۹ساله برای دیگران کشاورزی و دامداری می‌کرد و روزهایش به این شکل سپری می‌شد اما حالا مثل دیگر بیمارانی که نابینا شده‌اند، خانه‌نشین شده است: «چشم پدر سفید شده و به همین دلیل همیشه عینک می‌زند تا کسی متوجه این موضوع نشود. صبح تا شب در خانه می‌ماند و دیگر کارش را کنار گذاشته است. حتی بعد از این ماجرا فشار خون پدرم بالا رفت و دچار بیماری فیبرومالژیا (درد گسترده اسکلتی – عضلانی) شد. او از سوی متخصص مغز و اعصاب تحت درمان است. ازکارافتاده و خانه‌نشین شده است و مرتب فشارش پایین و بالا می‌رود. آن‌قدر حال روحی پدرم بد است که برای درمان چشمش از چند پزشک پیگیری کردم تا شاید امیدی پیدا کنیم، ولی در آخر گفتند، درمانی وجود ندارد و بینایی چشم بر نمی‌گردد چون شبکه چشم کامل تخلیه شده است». پدر هم از پذیرش شرایط این روزهای خود می‌گوید. در این مدت علاوه بر ابتلا به بیماری جدید که تمام بدنش را احاطه کرده، از وزنش هم کم شده است. این مرد ۵۵ساله با صدای آرامی می‌گوید: «از وقتی چشمم را از دست دادم تا الان ۱۱،۰۰ کیلو وزن کم کردم، مقاومت بدنم کم شده، اما در آخر مجبور شدم شرایط را بپذیرم. الان دیگر نه می‌توانم رانندگی کنم و نه کارهای کشاورزی انجام دهم. کل روز معمولا در خانه‌ام. اگر کسی از سمت چپ رانندگی کند، او را نمی‌بینم می‌ترسم تصادف کنم حتی بعضی وقت‌ها در پیاده‌راه به مردمی که از سمت چپ حرکت می‌کنند برخورد می‌کنم. در تمام این مدت حتی یک نفر از بیمارستان تماس نگرفت از ما دلجویی کرد. تمام هزینه‌های طول درمان را تا الان خودمان پرداخت کرده‌ایم».

این دیه جواب‌گوی آسیبی که متحمل شدند، نیست

دیه تعیین‌شده برای این ۹ بیماری که دچار نابینایی شده‌اند، تا دو سال دیگر به آنها پرداخت می‌شود؛ ۸۰۰ میلیونی که به گفته خانواده‌ها و بیماران، جواب‌گوی رنجی که کشیده‌اند و می‌کشند، نیست. نیلوفر معارفی، وکیل تعدادی از این بیماران، به «شرق» می‌گوید: «کاملا مشخص است، دیه در نظر گرفته‌شده، برای آسیبی که این افراد متحمل شده‌اند، کافی نیست. برخی از این بیماران به پروتز چشم نیاز دارند که هر چند سال یک بار نیاز به تعویض دارد. مبلغ در نظر گرفته‌شده برای این افراد جواب‌گوی دردی که کشیدند، نیست». او درباره اینکه چرا این افراد نابینا شدند هم اشاره می‌کند: «بررسی‌ها نشان می‌دهد نقض در استریل‌بودن تجهیزات پزشکی علت این اتفاق بوده است. این اشتباه باید متوجه مسئول فنی اتاق عمل می‌شد اما اعلام کردند که چون هنوز حکم فعالیت او به عنوان مسئول فنی صادر نشده بود، مدیرعامل بیمارستان متهم است. در واقع از همان ابتدا مشخص بود که همه پزشکان در یک روز خطا نخواهند کرد و حتما مسئله‌ای وجود داشته است که در تحقیقات هم این موضوع باید یک نفر از بیمارستان یا من تماس نگرفت یا به دیدار مختلف برای عمل آب‌مروارید به تهران آمده بودند که سه نفرشان زن و شش نفر مرد بودند که از یک چشم نابینا شدند».

خبرخوان

چرا سهمیه شیر خشک کم شد؟

ایلنا: سرپرست فرآورده‌های طبیعی، سنتی، مکمل و شیر خشک سازمان غذا و دارو درباره کاهش سهمیه شیر خشک نوزادان از ۱۰ به چهار قوطی توضیحاتی را ارائه کرد.
شهرام شعبی درباره گزارش‌های مردمی مبنی بر کاهش سهمیه شیر خشک نوزادان از ۱۰ به چهار قوطی اعلام کرد: «این بازنگری مربوط به گروه سنی شش ماه به بالا بوده و با توصیه معاونت بهداشت و متخصصان تغذیه، برای ترغیب به استفاده از غذای کمکی و شیر مادر صورت گرفته است». او افزود: «در تنظیم جدید، تعداد قوطی‌های دریافتی آزاد برای این گروه سنی از ۱۰ به چهار عدد تغییر کرده، در حالی که میزان بارانه‌ای بدون تغییر باقی مانده است. این اقدام در جهت تقویت الگوی تغذیه طبیعی و حمایت از سلامت کودکان انجام شده است». شعبی ادامه داد: «برای نوزادانی که کاملا با شیر خشک تغذیه می‌شوند و امکان استفاده از شیر مادر را ندارند، با تأیید پزشک معالج، تخصیص ویژه‌ای در نظر گرفته شده است تا نیازهای تغذیه‌ای آنان به‌طور کامل و منظم تأمین شود». او با اشاره به وضعیت پایدار تولید و ذخایر شیر خشک در کشور گفت: «ظرفیت تولید داخلی پاسخ‌گوی کامل نیاز بازار است و در صورت لزوم، امکان افزایش تولید نیز وجود دارد».

هشدار به مدیران مدارس

ایلنا:معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از رشد ۱۴درصدی ثبت‌نام دانش‌آموزان پایه اول در سال تحصیلی جدید خبر داد و با هشدار نسبت به رفتار برخی مدارس در عدم ثبت‌نام دانش‌آموزان دارای ضعف تحصیلی گفت: «بر اساس دستورالعمل‌های ابلاغی، مدارس به هیچ عنوان مجاز نیستند دانش‌آموزان میان‌پایه را به دلیل ضعف درسی ثبت‌نام نکنند. مسئولیت یادگیری بر عهده مدرسه است و مدارس باید هم دانش‌آموزان قوی و هم ضعیف را بپذیرند و از آنها حمایت کنند». رضوان حکیمزاده با بیان اینکه دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های ثبت‌نام با سرعت بیشتری در اختیار مدارس قرار گرفت، ادامه داد: «بر این نکته مهم تأکید شده که فرایند ثبت‌نام صرفا یک اقدام اداری نیست، بلکه رویدادی تربیتی است و این نگاه منجر به تعامل بهتر مدیران با خانواده‌ها و کودکان شده است».

مصرف آب در ایران دو برابر جهان

مهر: رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس با اشاره به اینکه مصرف آب در ایران بیش از دو برابر استاندارد جهانی است، بزرگ‌مصرف‌های حکاکری دستگاه‌ها برای عبور از بحران بی‌آبی تأکید کرد.
سمیه رفیعی با اشاره به وضعیت بحرانی آب در کشور گفت: «فقدان ماهنگی بین دستگاه‌های اجرائی، ضعف نظارت، ناکارآمدی سامانه‌های داده‌برداری و غفلت از نگاه یکپارچه در مدیریت آب از جمله عوامل اصلی بحران فعلی است». او با انتقاد از عملکرد وزارت جهاد کشاورزی در زمینه اجرانشدن الگوی کشت، ادامه داد: «متأسفانه همچنان شاهد تولید و حتی صادرات محصولات آبی برهشتیم، و حمایت از کشت جایگزین باشد». او خواستار ممنوعیت صادرات محصولات آبربر در یک بازه میان‌مدت و حمایت مالی از کشاورزان برای گذار به محصولات جایگزین و سامانه‌های نوین آبیاری شد. رفیعی با اشاره به ضرورت توسعه آبخیزداری و آبخوان‌داری در کشور گفت: «برای مقابله با کاهش منابع آب زیرزمینی باید به مهار رواناب‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های طبیعی اولویت داده شود». او خواستار برخورد قاطع با برصرف‌ها و بدمصرف‌ها در برج‌ها و استخرهای خصوصی و شناسایی نقاط ترلغات شبکه شد و گفت: «باید با تشکیل گشت ضربتی مشترک میان یگان حفاظت وزارت نیرو، شهرداری‌ها و دادگستری، بر مصرف آب در سطح ادارات، شرکت‌ها و مجتمع‌های لوکس نظارت جدی شود». رفیعی از وزارت نیرو و جهاد کشاورزی خواست غیرمجاز و کنترل پمپ‌های غیرمجاز با کمک ضوابط مأموران اقدام کند و درباره وضعیت آب‌شهر تهران هم تأکید کرد: «در کوتاه‌مدت راه‌اندازی سریع‌تر خط دوم انتقال آب از طالقان به تهران ضروری است و در این زمینه باید تسریع شود».